

در دل هر هنر می‌توان اسرار خدا را یافت

رضا میرزاده

رضا فردوسی، هنرمند ۶۷ساله‌ای است که در طول زندگی اش تلاش کرده حوزه های مختلف هنری را تجربه کند و از فرصت های موجود برای فراگیری این زمینه ها بهره ببرد. هرچند در گذشته علاقه ای به چاپ و نمایش عمومی آثارش نداشت. اما کم‌کم تصمیم گرفت این آثار را در قالب های متنوع در معرض دید علاقه مندان هنر قرار دهد. در حاشیه برگزاری نخستین نمایشگاه نقاشی های رنگ روغن او با عنوان «کوه و در و دشت» در نگارخانه سفید مشهد، گفت وگویی با این هنرمند پیشکسوت انجام دادیم که در ادامه می خوانید.



- غزنی که به آموختن هنر متجر شد

کار هنری را از حدود دوازده سالگی در تربت جام آغاز کردم. اصالتا اصفهانی هستم، اما به سبب اشتغال پدرم در ارتش و به حکم نانوشته «همه جای ایران سرای من است» به تربت جام مهاجرت کردم. با اینکه فرهنگ خانوادگی ام اصفهانی است. از تربت جام دل نمی‌کنم و خود را خراسانی می‌دانم. پدرم نیز پس از بازنخستگی ترجیح داد در همین شهر بماند. به این جغرافیا و بوم علاقه مندم. در این شهر، هنرمندان زیادی در زمینه های مختلف فعالیت دارند که در نوع خود کم نظیرند. مادر تربت جام غریب بودیم، اما برخی از ویژگی های زندگی در شهرهای بزرگ را نیز با خود داشتیم. پدرم بسیار اهل مطالعه بود و کتابخانه بزرگی داشت که در کنار کتاب ها، مجلاتی هم در آن یافت می‌شد. آن زمان، در صفحات پایانی مجلات، تصاویر مرتبط با موضوع آن مجله چاپ می‌شد و من به دیدن آن عکس ها علاقه داشتم؛ همین ورق زدن مجلات و نگاه کردن به تصاویر هنری، کم‌کم زمینه اشتیاق من به فعالیت های هنری را شکل داد. برادرم چند سالی از من بزرگ تر است و جامعه شناسی خوانده. او مدتی ویولن تمرین می‌کرد، بعد به نقاشی روی آورد و برای ادامه تحصیل به دارالفنون رفت. وقتی رفت، ابزارهای نقاشی اش به من رسید.

از سوی دیگر، آن زمان در ساعت های غیردرسی، مربیانی می‌آمدند و در قالب کلوپ های پرورشی، برخی از هنرها را آموزش می‌دادند و فعالیت های فرهنگی داشتند. از جمله آن ها، فردی به نام محمد علی کریمی بود که محبتی به من پیدا کرد و همین زمینه باعث شد که هنرهایی را که می‌دانست، به من هم آموزش دهد. ایشان در زمینه نواختن سه تار، تار و دو تار مهارت فراوانی داشت. عکاسی را از پایه به من آموزش داد. آن هم زمانی که دوربین عکاسی بسیار به ندرت پیدامی شد. حتی کارهایی مثل حساس کردن کاغذ معمولی برای چاپ عکس و... را هم به من یاد داد. او به عکاسی، سیاه قلم و نقاشی مسلط بود. البته در آن دوره به جز من، افراد

- هنر به جای روان شناسی

این گذشت تا دیپلم گرفتم. در کنکور شرکت کردم و در رشته روان شناسی قبول شدم. این مسئله با شکل گیری جریان انقلاب فرهنگی در دانشگاه ها همراه شد. در نهایت تحصیلات دانشگاهی در رشته روان شناسی را رها کردم و به سراغ هنر رفتم. در همان سال ۱۳۵۸ در سالن بهداری که الان به آن سالن ابن سینا می‌گویند و نزدیک دانشکده ما بود، به مدت سه شب، شب شعر برگزار شد و شاعران شاخصی از جمله محمد قهرمان، احمد کمال پور، محمدباقر کلاهی اهری، رضا فضلی، تقی خاوری، رضا دبیری جوان و... حضور داشتند و من و بسیاری از دانشجویان، مشتاقانه در آن شرکت می‌کردیم. این گونه اتفاقات باعث می‌شد دانشجویان دانشکده ما فعالیت داشتند. بیشتر به هم نزدیک شوند. من هم به دانشگاه نرفته بودم که روان شناس شوم. بیشتر برای فهم تأثیر هنر بر روان انسان بود که این رشته را انتخاب کردم.

- شرکت در گفده های هنری

هفته ای یکی دو بار با تعدادی از نقاشان جمع می‌شدیم و به منزل استاد حسین طالبی از نقاشان پیش‌کسوت مشهد می‌رفتم و کارهایی را که در هفته جاری انجام داده بودیم، نقد و بررسی می‌کردیم. در حقیقت منزل استاد طالبی برای ما حکم یک دانشکده را داشت. در جریان همین جلسات هنری با محمود موحد و محمد مهراف و علی سیران هم ارتباط داشتم و از آن ها آموختم. همچنین از قاسم توکلی راد در هنر خوش نویسی آموختم. من به صورت رسمی استاد نداشتم و با حضور در این‌گونه جمع های هنری، سعی می‌کردم از استادان مختلف بیاموزم. به شدت علاقه مند به شعر هم بودم و در جلسات شعر که آن زمان بیشتر در منازل افراد برگزار می‌شد شرکت می‌کردم. هم زمان کار تصویرسازی و گرافیک را هم فراگرفتم که آن زمان چندان هم مرسوم نشده بود و توانست در آینده شغلی من مؤثر باشد. آنچه در این جلسات مهم بود، این بود که نقد شدن را با جان ودل می‌پذیرفتم و اگر پیشرفتی در کار ما بود، نتیجه همان نقد ها بود. این برنامه ها تا حدود سال ۱۳۷۱ ادامه داشت.

- زندگی هنری

کم‌کم همکاری خود با مطبوعات را آغاز کردم و به عنوان گرافیکست مطبوعاتی با نشریه خاوران همکاری می‌کردم و در دوازده شماره این نشریه کار تصویرسازی و طراحی و صفحه آرایی انجام می‌دادم. پس از آن هم مدتی با نشریه بهروز همکاری می‌کردم. در هنرهایی که فراگرفته ام، در خوش نویسی و تذهیب، شیوه خاص خودم را دارم. چون به صورت رسمی در کلاس استادی شرکت نکرده‌ام، این هنرها را بیشتر با مطالعه و تمرین خود فراگرفته‌ام و اگر با مشکلی برخورد می‌کردم هم سعی می‌کردم آن را با سبک و روش خودم برطرف کنم. از سوی دیگر، سال ها در زمینه کار گرافیک

به صورت حرفه ای فعالیت کرده‌ام و در زمینه طراحی لوگو و آرم و پوستر و جلد کتاب و... فعالیت کرده‌ام. در کنار آن، به عکاسی هم علاقه مند بودم و تلاش کردم در ثبت تصاویر آبستره، نوآوری هایی داشته باشم. چاپ دستی را هم فراگرفته‌ام و آثاری هم در این زمینه دارم. در حوزه نقاشی هم فقط به رنگ روغن بسنده نکردم و آثار پاستل و آبرنگ و... هم داشته‌ام. این اولین نمایشگاه آثار رنگ روغن من است. حدود دو سال پیش نمایشگاهی از آثار چاپ دستی داشتم که اولین نمایشگاه آثار فردی من بود. پس از آن چند نمایشگاه خوش نویسی و تذهیب داشتم و الان هم نمایشگاه آثار رنگ روغن با موضوع طبیعت خراسان دارم. در آینده بنادارم نمایشگاهی از آنا حجمی و عکاسی و... نیز داشته باشم.

تعدادی شعر نیز دارم که قرار است در قالب مجموعه ای شامل شعر سپید و کلاسیک منتشر شود، برخی از این اشعار پیش‌تر در مطبوعات چاپ شده‌اند. دکتر شفيعی دکدکی در کتابی مربوط به دهه «۶ که به معرفی اشعار روز خراسان پرداخته، به آثار من نیز اشاره کرده‌است. همچنین در کتاب های شعر آقای سیانلو و خانم میزانی، برخی از سروده هایم منتشر شده‌اند.

- به گونه های متنوع هنری احترام بگذاریم
- باید به گونه های متنوع هنری و شیوه ها و مکاتب مختلف هنری احترام بگذاریم. در دل هر هنری می‌توان سری از اسرار خدا را پیدا کرد. به قول حافظ: «در صومعه زاهد و در خلوت صوفی، جز گوشه ابری تو محراب دعا نیست» عنوان این نمایشگاه من هم «کوه و در و دشت» است که به قول شاعر، در همه جای آن می‌توان اثری از خدا دید. هنرمند باید حس خود را با هنر خود در برابر عظمت جهانی که در آن حضور دارد، به تصویر بکشد و تلاش کند بیننده را هم به جست و جوی این حس بکشاند.

است که به موضوع اصلی سریال «جایی برای همه» آسیب جدی وارد کرده‌است. چهره های بومی اغلب نقش های تیپ‌گونه و نمادین را ایفا می‌کنند و فقدان بازیگری که راز درونی داشته باشد و بتواند بیان ظرایف شخصیت را بر دوش بکشد، این ایزودها را تا حد یک سیاه مشق خام دستانه تنزل داده‌است. در مجموع، تلاش «جایی برای همه» در مقام یکی از مددود آثار آرمانی برای انعکاس تنوع اقلیت های عزاداری ایرانی، درخور تقدیر است. ساختار اپیزودیک و حضور چهره های بومی، ظرفیت های ارزشمند این اثر محسوب می‌شوند، اما فقدان از روایت دراماتیک منسجم، سردرگمی میان مستند و درام، اتکای نگران‌کننده بر نمایش و ضعف در اجرا، «جایی برای همه» را از یک سریال اثربخش به محصولی خنثی بدل کرده‌است.

باورکردنی نیست که تلویزیون، در یکی از مهم ترین و معنوی ترین ده روزه های سال، به جای تمهید یک سریال گیرا و تأثیربرانگیز، چنین اثری را پیش روی مخاطب قرار داده باشد. اگر در آینده قرار باشد سریالی مناسبتی درباره عاشورا ساخته شود، باید نگاه تازه ای به فرایند تولید آن داشت. نخست، ضروری است نویسندگانی گرد هم آیند که روایت را نه از سطح واقعه، بلکه از درون شخصیت ها آغاز کنند، کسانی که بتوانند تجربه زیسته، تردیدها، ایمان و رنج آدم ها را به تصویر بکشند، نه صرفا بازنویسی آیینی از یک واقعه را. فیلم نامه باید بر پایه شخصیت هایی واقعی و ملموس شکل بگیرد، شخصیت هایی که نه نماد کلیشه ای، بلکه آینه ای از بحران ها و دغدغه های انسان امروز باشند. در کنار این نگاه شخصیت محور، پرهیز از لحن شعاری و تریشن های بی‌قاعده نیز حیاتی است؛ چراکه مخاطب امروز، بیش از آنکه نیاز به خطابه داشته باشد، تشنه لمس حقیقت در جزئیات زندگی است. همچنین، انتخاب بازیگرانی توانمند که بتوانند لایه های مختلف احساسی، را منتقل کنند، عاملی تعیین کننده در موفقیت یک اثر نمایشی درباره عاشورا خواهد بود.

با کنش شخصیت ها کرده‌است. این کمبود نشان می‌دهد که فیلم نامه نویسی «جایی برای همه» با پیچیدگی حداقلی مواجه‌است و تریشن، به عنوان راهکار جایگزین، تنها جلوه ای از آشفتگی متن است. در نتیجه، روایت های این اثر بیشتر شبیه مستندهای گزارشی هستند تا درام هایی گیرا و اثرگذار.

- سردرگمی مستند و درام

«جایی برای همه» در برخی موارد نمی‌داند قرار است مستند باشد یا ملودرام. در یک بزنگاه، دیدگاه واقعی مردم و آداب را پیش می‌کشد و شخصیت را مقابل دوربین قرار می‌دهد تا مستقیم با مخاطب حرف بزند. گاهی هم برای دراماتیزه شدن و بازی گرفتن از بازیگران، با چاشنی دیالوگ های گل درشت، خیزبری دارد. این ترکیب نااهم‌هنگ، شخصیت ها را سطحی و در حد تیپ جلوه می‌دهد و باعث می‌شود موفق به تماشای یکی دو قسمت از مجموعه هم نشد، روند همراهی اش با سریال منقطع نشود. اما این ساختار اپیزودیک، اگر بدون پیوند و خط روایی مشترک باشد، در عمل انسجام را از بین می‌برد. «جایی برای همه» تنها یک وجه مشترک دارد: ارادت به امام حسین^ع و فرهنگ عاشورایی. این در حالی است که مخاطب نیاز دارد هم به جنبه آیینی این ارادت دسترسی پیدا کند و هم روایت منسجم شخصی شده را پشت هر قصه احساس کند.

- فرصتی برای عمیق شدن

در چند قسمت از مجموعه «جایی برای همه» شاهد نگاه شعاری به نوعی عشق «درنامه» نسبت به آیین عاشورا و ساده سازی سوگواری بودیم؛ روایت هایی که رنگ بومی داشتند، اما عمق اجتماعی کم روایت، فقدان عنصر دانایی و درک عمیق از روح قیام امام حسین^ع را فریاد می‌زد. در برخی از قسمت های این اثر، قصه ها متمرکز بر آیین های ظاهری هستند و همه چیز را در مسلح سرهم بندی می‌کنند. این مواجهه شعاری و سطحی با مهم ترین مناسک آیینی مذهب شیعه، طبیعتا امکان ایجاد ارتباط عاطفی عمیق و بازتاب گوهر عاشورا را از دست می‌دهد.

- سردرگمی میان مستند و درام

تنوع نداشتن در اجرا نیز یکی دیگر از مواردی



«یوتانازی» در صدر جدول فروش نتاثر مشهد



آمار فروش نمایش های روی صحنه تئاتر در مشهد طی هفته گذشته از تاریخ ۱۴ تا ۲۰ تیر ۱۴۰۴ منتشر شد و نمایش «یوتانازی» به کارگردانی محسن رحیمیون با فروش ۲۲۴ میلیون و ۹۵۰ هزار ریال در صدر جدول فروش هفتگی سایت گیشات قرار دارد.

به گزارش شهرآرانیوز، نمایش های «زهرماری» به کارگردانی سعید توکلی با فروش ۲۸۸ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال، «پیل» به کارگردانی سجاد کوچ با فروش ۶۶۱ میلیون و ۶۵۵ هزار ریال، «ذهن سوخته» به کارگردانی محمد مهاجر با فروش ۱۱۳ میلیون و ۸۵۰ هزار ریال و «روال عادی» به کارگردانی مسعود قربانی با فروش ۷۲ میلیون و ۳۲۰ هزار ریال در رتبه های بعدی قرار دارند.



ساخت کلیپ برای «علاج» بالب آهنگ های مردم

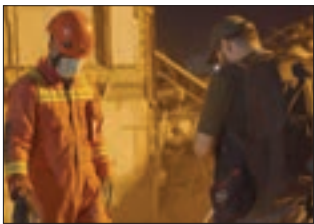


برنامه «نسیم آوا» شبکه نسیم با پویش لب آهنگ «یک صدا ایران» با دعوت از مردم سراسر کشور برای اجرای لب آهنگ «علاج»، فرصتی را برای هم صدایی و هم بستگی فرهنگی در قالب ویدئوهای لب آهنگ فراهم کرده‌است.

ایسن حرکت فرهنگی درصدد

است تا از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب ایران، با لهجه ها و گویش های مختلف، پیام اتحاد و هم بستگی را در قالب هنر لب آهنگ به نمایش بگذارد.

«راش» مستندی درباره مقاومت ۱۲ روزه مردم ایران



فیلم تازه نیما مهدیان «راش» درباره مقاومت دوازده روزه مردم ایران است و هم زمان با هجوم رژیم صهیونیستی به ایران، فیلم برداری آن شروع شده‌است. نیما مهدیان درباره این فیلم به ایسنا گفت: «این فیلم، برخلاف مستندهای متعارف، روایت نمی‌کند، تماشا می‌کند. اما نه تماشای عادی؛ بلکه تماشای هم زمان با دو نگاه دیگر، کنجکاو و گاهی دچار تردید. مخاطب در جایگاه خالق اثر می‌نشیند و سؤالاتی را می‌شود که معمولاً پشت درهای بسته تدوین باقی می‌مانند.

آنچه «راش» را دیدنی کرده، نه محتوایش بلکه نحوه مواجهه با محتواست، مواجهه ای انسانی، زنده و خام. برای نخستین بار، شما نه در پایان، بلکه در نقطه آغاز روایت حضور دارید، آنجا که همه چیز هنوز شکل نگرفته، اما حقیقت در حال فوران است. «راش» تولید مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و پویانمایی است. نیما مهدیان کارگردانی مستندهای «یک وجب خاک»، «آن مرد با اتوبوس آمد» و... را در کارنامه دارد.

سریال «شوق پرواز»، روی آنتن شبکه افق



بخش سریال «شوق پرواز» به کارگردانی پیدا... صمدی از شنبه ساعت ۲۳ از شبکه افق آغاز شده‌است. «شوق پرواز» زندگی سرلشکر عباس بابایی را با بازی شهاب حسینی از کودکی تا زمان شهادت به تصویر می‌کشد و روایتگر رشادت و از خودگذشتگی این خلبان مجاهد و یابمان است.

شهاب حسینی، الهام حمیدی، اکبر عبدی، کوروش تهامی، افسانه بایگان، ستاره اسکندری، شهرام حقیقت دوست و... در این سریال به هنرمندی پرداخته‌اند.

آغاز پخش سریال «وضعیت سفید» از امروز



سریال «وضعیت سفید» به کارگردانی حمید نعمت‌ا... از شنبه ۲۱ تیرماه روی آنتن شبکه ۲ رفته‌است. به گزارش ایسنا، «وضعیت سفید» در ژانر تاریخی، درام به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی و نویسندگی هادی مقدم دوست و حمید نعمت‌ا... تولید شده‌است.

افسانه بایگان، ابوالفضل پورعرب، یونس غزالی، عباس غزالی، مونا احمدی، رابعه مدنی، زنده یاد علی سلیمانی و عزت‌ا... مهرآوران، شهین تسلیمی، امیرحسین رستمی، حمیرا ریاضی، لیندا کیانی، افسانه چهره آزاد، اسماعیل سلطانیان، سپید گلستانی، پوران دخت مهیمن، سیما خضرابادی، امیر کاظمی، سید جواد هاشمی، اصغر نقی زاده و... از بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند.

راهیابی «زن و بچه» به جشنواره ملیورن



هفتاد و سومین جشنواره فیلم ملیورن استرالیا میزبان نمایش چند فیلم کوتاه و بلند از سینماگران ایرانی از جمله «زن و بچه» سعید روستایی خواهد بود.

به گزارش ایسنا، این رویداد سینمایی از تاریخ ۷ تا ۲۴ آگوست (۱۶ مرداد تا

می‌شود و فیلم «زن و بچه» پس از رونمایی در جشنواره کن در بخش «خاورمیانه و آفریقا» ی این جشنواره به نمایش گذاشته می‌شود. در این فیلم پربنا از بازیگر نقش اصلی است که بازی او با نظر مثبت برخی منتقدان سینمایی در جشنواره کن همراه شد. در کنار او پیمان معادی، فرشته صدرعرفایی، سحر گلدوست، هما نیاسی و حسن پورشیرازی از دیگر بازیگران «زن و بچه» هستند. «زن و بچه» یکی از ۲۲ فیلم حاضر در بخش مسابقه اصلی جشنواره کن بود و به عنوان یک درام خانوادگی معاصر با موضوع انتقام و بخشش معرفی شد.